سی‌وچهارمین همایش بانکداری اسلامی: طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران
۲۰ و ۲۱ شهریور ماه ۱۴۰۳، صص. ۳۰۶-۲۷۳

انصاف در احقاق حق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی با توجه به نقش حاکمیت شرکتی

محمدسعید غفاریان حاتمی[۱]

چکیده

حاکمیت شرکتی، همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس، چهار اصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، معرف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و محافظت از منافع سهامداران است.

اخیراً و بر پایه متون اسلامی، هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولیِ توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذی‌نفعان مطرح است. بر این اساس و با توجه به آن‌که بانک‌های ایران مبتنی بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفت و با استفاده از پرسشنامه و آزمون مقایسه میانگین چند جامعه، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه‌های بررسی شده در مقاله با مطالعه ادبیات مسأله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، طراحی شده و معیارها و زیرمعیارهای تشکیل مدل به‌دست آمد.

نتایج این بررسی حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری، وضع مطلوب‌تری در اجرای حاکمیت شرکتی داشته و در سطح ذی‌نفعان نیز اصول حاکمیت شرکتی را اجرا کرده است. این در حالی است که سطح اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح سهامداران است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، رعایت حقوق ذی‌نفعان، آزمون مقایسه میانگین چند جامعه

JEL: G34, M14

---

[۱] فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، گروه آموزشی مدیریت، «عضو باشگاه پژوهان بانک سپه»، (نویسنده مسئول)؛ iri.msh@gmail.com

مقدمه

حاکمیت شرکتی، سیستمی است که سازمان به‌وسیله آن کنترل و اداره می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1] در سال ۱۹۹۹ میلادی حاکمیت شرکتی را تخصیص حقوق و مسئولیت‌پذیری در میان گروه‌های متفاوت در شرکت همچون هیئت‌مدیره، مدیران، سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان معرفی کرده است.

اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ابتدا در مِی ۱۹۹۹ برای نخستین‌بار منتشر شد و سپس در سال ۲۰۰۴، حاکمیت شرکتی را مبتنی بر مفاهیم رعایت حقوق ذی‌نفعان و رابطه مدیر با ذی‌نفع در شش حوزه شامل «تأمین مبنا برای چهارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی»، «حقوق سهام‌داران و کارکردهای اصلی مالکیتی»، «رفتار یکسان با ذی‌نفعان»، «نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی»، «افشاء و شفافیت و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره»، «کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی» و سایر موارد بیان کرد و مورد بازنگری قرار داد. طی ۱۶ سال گذشته، این مجموعه به‌عنوان معتبرترین و مرجع‌ترین اصول راهبری شرکتی در سرتاسر جهان شناخته می‌شود و مبنای تدوین قوانین و مقررات متعددی در کشورها و قلمروهای مختلف قرار گرفته است. فرایند بازنگری اخیرِ این اصول از سال ۲۰۱۴ آغاز شد و سرانجام در سال جاری ۲۰۱۵ تکمیل شد. اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی یکی از ۱۲ استاندارد کلیدی سامانه‌های مالی سالم مورد تأکید هیئت ثبات مالی (FSB) است و از سوی بسیاری از نهادهای ناظر بین‌المللی به‌عنوان مقررات مرجع راهبری شرکتی شناخته می‌شود. هدف این مقاله در وهله نخست، تبیین اصول راهبری شرکتی به‌روزرسانی شده سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۵ است. در ادامه، تلاش می‌شود بین اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با چهارچوب قانونی و مقرراتی موجود در کشور مقایسه‌ای انجام شود و فاصله بین اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با قوانین و مقررات موجود در داخل ایران در این حوزه تبیین شود.

حاکمیت شرکتی را می‌توان رابطه مدیران با سهام‌داران دانست که مبنای نظری آن «تئوری نمایندگی» در شکل محدود خود است. یا آن را در نگرشی وسیع، رابطه شرکت با تمام ذی‌نفعان دانست که پشتوانه نظری آن را می‌توان «تئوری ذی‌نفعان» دانست. سایر تعاریف و نگرش‌های موجود درخصوص حاکمیت شرکتی، درونِ طیفی میان این دو دیدگاه قرار می‌گیرد. (بدری: ۱۳۹۷، ص. ۵)

[1] Organisation for Economic Co-operation and Development

با توجه به تأثیر حاکمیت خوب در بانک‌ها به تخصیص کارآمد منابع در اقتصاد و به تبع آن رشد اقتصادی و ارتقای سلامت و ایمنی بانک‌ها، کمیته بال، حاکمیت شرکتی مؤثر و کارآ در بانک‌ها را امری ضروری در عملکرد مناسب بخش بانکی تلقی می‌کند و ضعف آن را باعث انتقال مشکلات بانک‌ها به یکدیگر و نهایتاً به کل نظام اقتصادی می‌داند.

کمیته بال در یکی از اسناد خود موسوم به بال ۳ بر استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به‌عنوان پیش‌شرطی برای مدیریت مناسب و مؤثر ریسک و امکان نظارت قوی‌تر تأکید کرده است. همچنین، در ویرایش جدید خود، سند اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را منتشر کرد که طی آن، تقویت نظارت عمومی بر بانک‌ها و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره در رابطه با مدیریت ریسک مورد تأکید قرار گرفت. همچنین، در این سند مؤلفه‌های کلیدی در مدیریت ریسک از قبیل فرهنگ ریسک و ریسک‌پذیری و ارتباط آن با ظرفیت ریسک بانک مورد توجه بیشتری قرار گرفت. ضمن آن‌که نقش ویژه هیئت‌مدیره، کمیته‌های مستقل ریسک، مدیریت ارشد و وظایف و مسئولیت‌های مدیریت ارشد ریسک و حسابرسی داخلی (در این سند) تبیین شده است.

ویشنی و شلیفر[1] (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی حاکمیت شرکتی» بیان داشتند که حاکمیت شرکتی مؤثر از طریق یک چهارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال یا از طریق مالکیت متمرکز ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، حاکمیت شرکتی اثربخش یک عامل بنیادی در فرایند بازسازی اقتصادهای در حال توسعه است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن تضاد منافع و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و متقلبانه، عملکرد شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه را ارتقا داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می‌کند.[2]

(Khanaghah, Sadeghi & Ghadakforoushan: 2019)

به‌عبارتی، هیئتی از مدیران، مسئولیت حاکمیت شرکتی را برعهده دارند و با توجه به جدایی مالکیت از مدیریت و اهداف متفاوت آن‌ها، مسأله تضاد منافع مطرح است. حاکمیت شرکتی از منظر هیئت خدمات مالی اسلامی این‌گونه است که امروزه، تمام نظام‌های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته با وضع قواعدی تحت عنوان حاکمیت شرکتی به‌دنبال این هستند که ساختار ارکان شرکت را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که احتمال فساد در آن به‌حداقل ممکن برسد و از حیث شفافیت، نقطه‌ای تاریک در صورت‌های مالی

[1] Vishny & Shleifer

[2] تمام اقتصادهای در حال توسعه، پیشرفت‌های زیادی در بسط چهارچوب حاکمیت شرکتی داشته و به‌سمت انطباق با اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌صورت اختیاری یا اجباری حرکت کرده‌اند. علاوه بر آن، اکثر کشورهای توسعه‌یافته همچون آمریکا و انگلیس و دیگر کشورها، همچنان به تقویت سیستم حاکمیت شرکتی خود در بخش‌های مختلف ادامه می‌دهند.

شرکت باقی نماند. حاکمیت شرکتی یعنی یک‌سری قواعد و مقررات برای نظارت بر شرکت‌ها وضع شود که منافع همه ذی‌نفعان، به‌ویژه سهام‌داران خُرد تأمین شود. در حاکمیت شرکتی دو هدف مهم دنبال می‌شود: نخست، اطمینان از رفتار مسئولانه ارکان شرکت‌ها. و دوم، دستیابی به بالاترین سطح از شفافیت، سودآوری و کارایی.

دستورالعمل حاکمیت شرکتیِ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس از حیث قواعد وضع شده، مترقی و مطابق با قواعد کشورهای توسعه یافته است. قواعد و الزامات موجود در دستورالعمل حاکمیت شرکتی به سه دسته اصلی و مهم تقسیم می‌شود:

– الزامات ناظر بر هیئت‌مدیره و مدیران؛

– الزامات ناظر بر صاحبان سهام؛

– الزامات ناظر بر مجامع عمومی.

بنابراین، حاکمیت شرکتی به‌عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهام‌داران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود. (سلیمانی و مقدسی: ۱۴۰۰، ص. ۳) یکی از راه‌های کاهش مشکلات نمایندگی، اجرای سازوکارهای مناسب حاکمیت شرکتی در واحد تجاری است. به‌عبارتی، هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است که با حفظ تعادل بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی، به استفاده کارآمد از منابع و پاسخگویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهم‌ترین هدف حاکمیت شرکتی، همسویی منافع بین مدیران و سهام‌داران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. پاسخگویی، شفافیت و حمایت از حقوق ذی‌نفعان از نشانه‌های یک نظام حاکمیتی کارآمد است. (مجتهدزاده و اثنی‌عشری: ۱۳۹۹، ص. ۴) هدف حاکمیت شرکتی، رعایت اصولی است که توازن بین آزادی مدیریت، پاسخگویی و حقوق ذی‌نفعان را برقرار کند. علاوه بر آن، یکی از زیرساخت‌های ضروری در سازمان برای بهبود فضای کسب‌وکار، شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و پاسخگویی مدیران در سازمان‌ها و واحدهای تجاری استقرار یافته است. بنابراین، بررسی ارتباط بین استقرار حاکمیت شرکتی و نحوه رعایت حقوق ذی‌نفعان در آن، از اهداف اصلی اجرای حاکمیت شرکتی در سازمان‌هاست. این مسأله و نحوه چگونگی استقرار و رابطه حاکمیت شرکتی و ذی‌نفعان در شبکه بانکی ایران در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. به‌عبارتی، ایده این مقاله بر این اساس شکل گرفته که حاکمیت شرکتی دارای طیفی از پاسخگویی است که در یک‌سرِ آن پاسخگویی منحصراً به سهام‌داران و در سرِ دیگر آن پاسخگویی به ذی‌نفعان شامل گروه‌های متنوعی همچون اعتباردهندگان، کارمندان، مشتریان و جامعه قرار دارد که هر چه از سمت سهام‌داران به‌سمت ذی‌نفعان

حرکت می‌کنیم، ابعاد پاسخگویی و شفافیت سازمان، گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود. اما سؤال مطرح آن است که: استقرار حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی ایران در کدام فاز (سهام‌داران یا ذی‌نفعان) قرار دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، پرسشنامه‌ای مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتی با تأکید بر طیف آن، بین ۱۵۰ نفر از مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی توزیع شد. بررسی اولیه ۱۲۹ پرسشنامه قابل استفاده نشان می‌دهد که با آلفای کرونباخ، ۸۲ درصد پرسشنامه‌ها از اعتبار کافی برای آزمون برخوردارند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اجرای حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران با حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان در سه گروه از بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است. علاوه بر آن، هر یک از ابعاد حاکمیت شرکتی شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌های اجتماعی در گروه بانک‌های بررسی شده، به شیوه‌ها و در سطوح مختلفی اجرا شده‌اند.

حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان

تضاد منافع بین مدیران و صاحبان سهام شرکت، عدم شفافیت اطلاعات، امکان فرصت‌طلبی و بالا بودن هزینه‌های نظارتی از عواملی هستند که لزوم ایجاد حاکمیت شرکتی را ایجاب می‌کند. همچنین، از سوی دیگر، با رشد جریان خصوصی‌سازی، تفکیک مالکیت و سوءاستفاده‌های مالی، حاکمیت شرکتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. (کاشف بهرامی: ۱۴۰۰، ص. ۱) به‌بیان دیگر، پس از سقوط بورس سهام وال استریت در سال ۱۹۲۹ میلادی که به‌عنوان سه‌شنبه سیاه شناخته شده و وقوع بحران‌های مالی تعدادی از شرکت‌های بزرگ در سطح جهان از قبیل جنرال موتورز، حاکمیت شرکتی مورد توجه خاصی قرار گرفت و به‌تدریج کیفیت اداره امور و برقراری سیستم کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با انتشار گزارش معروفی به‌نام کَدبری[1] در سال ۱۹۹۲ اهمیت یافت.

با پایان جنگ جهانی دوم و آغاز گسترش روابط سازمان یافته بین‌المللی و رشد ارتباطات بین ملل مختلف در تمامی عرصه‌ها، خصوصاً دادوستد کالا و خدمات، گسترش ارتباطات به پدیده‌ای منجر شد که جهانی شدن نام گرفت. جهانی شدن با آزادی تجارت و رقابت، گره خورده است. الزامات آن نیز تاکنون این بوده که دولت‌ها برای ورود به این عرصه مجبور شده‌اند تا حد زیادی قوانین، مقررات، سیاست‌ها و خط‌مشی خود را تغییر داده و الزامات و تعهدات بین‌المللی متعددی را پذیرا شوند. فعالیت

[1] به‌منظور توسعه حاکمیت شرکتی در انگلستان در سال ۱۹۹۱ میلادی کمیته‌ای به ریاست سِر آدرین کَدبری ایجاد شد که در سال ۱۹۹۲ مجموعه پیشنهادهای این کمیته برای بهبود حاکمیت شرکتی منتشر شد. این گزارش (Cadbury Report) انگلستان تحت گزارشی با عنوان گزارش کَدبری، آغاز توسعه حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی است.

سازمان‌های بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای نیز این روند را شدت بخشید. جهانی شدن، مرز قطعی و ثابت بین حوزه امور داخلی و بین‌المللی را تغییر داده و فرایند جهانی شدن، دگردیسی مفاهیم و ساختار سنتی حاکمیت و روابط بین حاکمیت و حقوق را در پی داشته است. صلاحیت سرزمینی کشورها به‌واسطه جهانی شدن اقتصاد و روابط اجتماعی بشدت تحت فشار قرار گرفته است. در این دگردیسی، اقتدار تمامی کشورها اعم از قوی و ضعیف به‌علت ادغام در اقتصاد جهانی زایل شده است.

متعاقباً به‌دلیل وقوع بحران‌های مالی دیگر در سایر نقاط جهان نظیر بحران کشورهای آسیای شرقی و بحث جهانی شدن و الزام کشورها به متابعت از دستورالعمل‌های سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و بانک جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی و نیز افزایش آگاهی کشورها برای ایجاد روابط تجاری بین‌المللی، نسبت به اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی صحیح به‌منظور جذب اعتماد سرمایه‌گذاران و نقش آن در ارتقای عملکرد اقتصادی کشورها، نخستین دستورالعمل جهانی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی درخصوص حاکمیت شرکتی در ماه مِی ۱۹۹۹ منتشر شد و تصویب قانونی به‌نام «ساربینز–اُکسلی[1]» در سال ۲۰۰۲ به‌توسعه و رشد حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی کمک کرد، به‌گونه‌ای که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در نهایت، اصول حاکمیت شرکتی را در سال ۲۰۰۴ منتشر کرد.

حاکمیت شرکتی بیان می‌کند که سازمان چگونه اداره، هدایت و کنترل می‌شود و معیارهایی را برای کنترل و هدایت مدیریت تعیین می‌کند. (کرمی و بیک بشرویه: ۱۳۹۸) در همین ارتباط، کاراتاس و اسپاتاریو[2] (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که حاکمیت شرکتی شامل مسئولیت اجتماعی، روش‌های کسب‌وکار اخلاقی، مسایل مربوط به پاسخگویی به ذی‌نفعان و شفافیت کامل نتایج مالی است. همچنین، سازوکاری برای نظارت بر عملیات سازمان است که با کاهش مشکلات نمایندگی در قراردادها، منافع سهام‌داران را دربر می‌گیرد. در ابتدا، حاکمیت شرکتیِ پدید آمده، مبتنی بر رویکرد متعارف حاکمیت شرکتی و براساس عاملیت–کارگزاری[3] بین مدیران و سهام‌داران شکل گرفت. ویژگی اصلی این مدل آن بود که سهام‌داران، وظیفه مدیریت را به مدیران یا کارگزاران خود (با فرض حل مسأله نمایندگی) تفویض کردند. به‌عبارتی، حاکمیت شرکتیِ مبتنی بر سهام‌داران با سازوکار و توافقاتی در ارتباط است که از طریق آن منافع سهام‌داران با حل مسأله نمایندگی تأمین شود.

[1] Sarbanes-Oxley
[2] Caratas & Spatariu
[3] Principal-Agent

براساس نظر لیولان[1] (۲۰۰۱)، توافق حاکمیت شرکتی شامل ساختار حقوقی برای ایجاد قدرت سهام‌داران در رابطه با پاسخگو بودن مدیران، شفافیت ساختارهای سازمان، اختیار قدرت مدیران عامل، توافق حسابرسی داخلی و تعیین مسیرهای پاسخگویی مدیران است و مبتنی بر اصول آن، ماهیت حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران، توانایی ایجاد انگیزه‌هایی برای مدیران و در راستای فعالیت آن‌ها با هدف حداکثرسازی ثروت سهام‌داران را دارد. اما با شکست‌های رخداده و بحران‌های پیش آمده در بازارهای مالی طی سال‌های اخیر، این پرسش مطرح است که: حاکمیت شرکتی چگونه می‌تواند به‌طور مؤثر و مفید از منافع سهام‌داران محافظت کند؟ طی سال‌های اخیر برای پاسخ به این پرسش، مباحث مرتبط با رعایت حقوق ذی‌نفعان تحت عنوان حاکمیت شرکتی بر مبنای ذی‌نفعان ارایه شده است.

در حاکمیت شرکتی بر مبنای ذی‌نفعان، از حاکمیت شرکتی و استقرار آن در سازمان برای ایجاد روش‌های بهتر و کدگذاری اصول مربوط به‌حاکمیت شرکتی استفاده شده و اتفاقاً براساس همین مفهوم، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۵ میلادی تعریف جدیدی از حاکمیت شرکتی به‌عنوان «مجموعه‌ای از روابط مابین مدیریت، هیئت‌مدیره شرکت و سهام‌داران و ذی‌نفعان دیگر» ارایه کرده است. حاکمیت شرکتی طبق تعریف این سازمان مجموعه‌ای از روش‌هاست که روابط بین سهام‌داران، اعضای هیئت‌مدیره و مدیریت شرکت را بیان می‌کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. حاکمیت شرکتی، ساختاری را ارایه می‌کند که از آن طریق اهداف شرکت، ابزارهای دستیابی به آن اهداف و نحوه نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می‌شود.

تایرول[2] (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «قراردادهای ناقص: ما کجا ایستاده‌ایم» بیان می‌کند که لحاظ کردن ذی‌نفعان دیگر در کنار سهام‌داران، امری ضروری است، زیرا تصمیمات مدیریتی نه تنها بر سرمایه‌گذاران، بلکه بر تعدادی از ذی‌نفعان که به‌طور طبیعی رابطه‌های لاینفک با سازمان دارند، تأثیرات جانبی دارد. این امر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که معمولاً ذی‌نفعان به‌موجب تأثیرات جانبی تصمیمات، به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. دونالدسون[3] (۲۰۱۵) نوشته‌های مرتون[4] را سرآغاز روش ذی‌نفعان در دهه ۱۹۵۰ می‌داند. مؤسسه تحقیقات استنفورد[5] نیز در سال ۲۰۱۸ ذی‌نفع را به‌عنوان گروه‌هایی تعریف کرد که بدون حمایت آن‌ها سازمان، موجودیت خارجی نخواهد داشت.

---

[1] Lewellyn
[2] Tirole
[3] Donaldson
[4] Merton
[5] Stanford Research Institute

فهرست ذی‌نفعان در این تعریف شامل سهام‌داران، کارمندان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، وام‌دهندگان و جامعه است که در حال حاضر نیز مورد استناد و قابل‌استفاده است. طرفداران نگرش ذی‌نفعان همچون داوکینز و لویس[1] (۲۰۱۳) و مایگنان و فِرِل[2] (۲۰۱۴) معتقدند که توجه به منافع، نیازها و حقوق چندگانه ذی‌نفعان یک کسب‌وکار، روش مفیدی برای ایجاد سازوکار مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان‌هاست. حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان، تعریف مسئولیت‌های کسب‌وکار را وسیع‌تر می‌کند. این عامل با پذیرش مسئولیت‌های یک شرکت که فراتر از رابطه مبتنی بر مدیریت و سهام‌دار است، نقش چندوجهی برای سازمان قایل می‌شود. در این دیدگاه، مدیریت، خود را مسئول راضی نگهداشتن و برطرف کردن تقاضای منافع چندگانه ذی‌نفعان می‌داند. به‌عبارتی، مدیریت سازمان علاوه بر سهام‌داران، در قبال گروه‌های گوناگون که رابطه مالی مستقیم با آن‌ها دارند از قبیل مصرف‌کنندگان، کارمندان، سهام‌داران و تأمین‌کنندگان، مسئولیت‌های اجتماعی دارند و هر میزان که طیف به‌سمت ذی‌نفعان تا سهام‌داران حرکت کند، دیدگاه بسیار وسیع از تعریف ذی‌نفعان بسط داده می‌شود تا از این طریق، جامعه گروه‌های ذی‌نفع به‌طور کامل پوشش داده شود.

از سوی دیگر، براساس شریعت اسلامی در مباحث مالی و بانکی نیز بر مسأله استقرار حاکمیت شرکتیِ مبتنی بر ذی‌نفعان تأکید شده است. اقبال و میرآخور[3] (۲۰۱۴) و اقبال و مولینکس[4] (۲۰۱۵) ذی‌نفع را مبتنی بر مفاهیم اسلامی، فردی معرفی می‌کنند که حقوق دارایی‌هایش به‌دلیل اعمال داوطلبانه و غیرداوطلبانه سازمان در معرض خطر است. سازمان علاوه بر محافظت از حقوق سهام‌داران باید از حقوق افرادی که در فرآیند کسب درآمد برای سازمان مشارکت دارند و از حقوق افرادی که به‌موجب فعالیت‌های سازمان برای کسب درآمد، در معرض خطر قرار دارند نیز محافظت کند. همچنین، آن‌ها معتقدند که هر گروه یا فردی که شرکت با آن‌ها تعهدات عقودی تلویحی و آشکار دارد، ذی‌نفع سازمان محسوب می‌شود، حتی اگر عقد رسمی با آن‌ها منعقد نکرده باشد. به‌عبارتی، شریعت اسلامی تأکید یکسانی بر تعهدات ناشی از عقود آشکار و تلویحی دارد. بنابراین، سازمان‌های مالی و غیرمالی مبتنی بر شریعت اسلامی ملزمند که از طریق قبول و محافظت از حقوق دارایی همه ذی‌نفعان مرتبط (مشتریان، مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، کارکنان و جامعه)، جایگاه عقود آشکار و تلویحی را تحت مفروضات حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان حفظ کنند.

---

[1] Dawkins & Lewis
[2] Maignan & Ferrell
[3] Iqbal & Mirakhor
[4] Iqbal & Molyneux

در یک نگاه کلی، حاکمیت شرکتی شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد سازمان را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارتند از: سهام‌داران و ساختار مالکیت آن‌ها، اعضای هیئت‌مدیره، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. مؤسسه پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی[1] به‌عنوان یکی از مراجع اصلی حاکمیت شرکتی، اصول حاکمیت شرکتی را شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معرفی کرده که انصاف، به برخورد یکسان و عادلانه با تمام سهام‌داران اشاره دارد. شفافیت، به ارایه اطلاعات و در دسترس بودن آن برای استفاده‌کنندگان می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری شامل کمیت و کیفیت مسئولیت و تفویض اختیارات است و در نهایت، پاسخگویی بر هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت همراه با پاسخگویی اشاره دارد. بر این اساس و با استفاده از اصول حاکمیت شرکتیِ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، در این پژوهش، به طراحی مدل حاکمیت شرکتی با هدف رعایت حقوق ذی‌نفعان پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات مختلفی در رابطه با ارزیابی حاکمیت شرکتی و جایگاه آن در سازمان‌ها در کشورهای مختلف و در سطح ملی و بین‌المللی انجام شده است.

قلیچ (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی»، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری را ارایه سازوکاری معرفی می‌کند که از کلیه حقوق ذی‌نفعان این حوزه دفاع کند. این مقاله به‌دلیل دارا بودن محرک‌هایی چون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری اسلامی، الزام افراد به رعایت اخلاق اسلامی و شرایط اخلاق‌مدارانه در محیط اجتماعی–سیاسی جامعه اسلامی، دارای ظرفیت بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی معرفی شده و تحت آن کلیه نقش‌ها و مسئولیت‌های خاص بازیگران اصلی همچون هیئت‌مدیره، مدیران ارشد و به‌خصوص سهام‌داران و سپرده‌گذاران به‌منظور اجرای مؤثر حاکمیت شرکتی در بانک لحاظ شده است.

حساس یگانه و برزگر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری»، به بررسی راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکتی و نظریه‌های حسابداری پرداختند. آن‌ها بیان کردند که رهبران شرکت‌ها با وظیفه‌ای پویا و چالش‌برانگیز در زمینه استانداردهای اخلاقی اجتماعی با هدف عملیات تجاری مسئولانه مواجهند. آن‌ها در این

[1] Corporate Social Responsibility & Sustainability (CSRS)

مقاله به بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری پرداختند. همچنین، بیان کردند که شرکت‌ها، واکنش‌های مختلفی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای جدید دارند، به‌گونه‌ای که برخی شرکت‌ها فرهنگ سازمانی و حاکمیتی خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان هسته اصلی فعالیت‌های تجاری پذیرفته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط مثبت بین تلاش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی به‌عنوان یک پارادایم جدید در مطالعات مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد.

مرانجوری و علیخانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی»، به بررسی رابطه بین سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی با دو سازوکار راهبری شرکتی (سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف) در شرکت‌های ایرانی پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری سطح مسئولیت اجتماعی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۶۶ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اندازه شرکت با سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد، اما بین سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی و سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

بهارمقدم، صادقی و صفرزاده (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. هدف از این بررسی آن بود که با فرض وجود قرارداد اجتماعی بین شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، انتظار می‌رود ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با حاکمیت شرکتی (که مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت، کنترل و نظارت شرکت‌هاست)، بهبود یابد. نتایج این بررسی نشان داد که حاکمیت شرکتی بر تمرکز مالکان، درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و اندازه حسابرس با سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

بهادوری و سلارکا[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌های هندی»، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که شرکت‌های بزرگ‌تر با قدمت بیشتر و شرکت‌هایی که بین سهام‌داران سود تقسیم می‌کنند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسئولیت اجتماعی دارند. همچنین، رابطه مثبت و معناداری بین نسبت سهام‌داران نهادی و مسئولیت اجتماعی وجود دارد.

[1] Bhaduri & Selarka

رازِک[1] (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین مسئولیت‌های اجتماعی و حاکمیت شرکتی: بررسی شواهد کشور مصر»، به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های مصری پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و ساختار مالکیت بر مسئولیت اجتماعی تأثیرگذار است.

اُه، چانگ و مارتینو[2] (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «اثر ساختار مالکیت بر مسئولیت‌های اجتماعی: شواهدی از کشور کره»، به بررسی حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی پرداختند. تفسیر و نتایج این بررسی رابطه مثبت و معنی‌دار بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی را اثبات کرد. نتایج نشان داد که بازارهایی که استقرار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های آن قوی و مطلوب است، عملکرد مسئولیت اجتماعی بهتری دارند. همچنین، حاکمیت خوب نیز به عملکرد مسئولیت اجتماعی خوب منتهی می‌شود.

ارشد و رازِک (۲۰۱۷) در پژوهشی با نام «افشای مسئولیت‌های اجتماعی و اثر آن بر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌ها»، به بررسی عملکرد اجتماعی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی پرداخت. شواهد تجربی نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز، اثر منفی بر عملکرد اجتماعی دارد. سهام‌دار اصلی میلی به‌صرف پول در مسئولیت اجتماعی شرکت (که می‌تواند به تمامی ذی‌نفعان سود برساند)، ندارد. در مقابل، مالکیت پراکنده، عملکرد اجتماعی را تقویت می‌کند که نشان‌دهنده تعهد شدید مدیران به مسئولیت اجتماعی شرکت است. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا تعارضات میان سهام‌داران و ذی‌نفعان را حل کنند.

بلَک، جَنگ و کیم[3] (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «آیا حاکمیت شرکتی، ارزش شرکت را پیش‌بینی می‌کند؟»، در بررسی وضعیت استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی در کره جنوبی نشان دادند که حقوق سهامداران، هیئت‌مدیره، مدیران بیرونی، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی، افشا به سرمایه‌گذاران و پراکندگی مالکیت از مؤلفه‌های مؤثر در ارزیابی وضعیت حاکمیت شرکتی در کره جنوبی است.

تحقیقات مختلف، شاخص‌های حاکمیت شرکتی یا مؤلفه‌های ارزیابی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در سازمان را بین ۲ تا ۱۰۰ معیار شناسایی کرده که تعداد و بررسی هر مؤلفه به زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بستگی دارد. (نمازی و ابراهیمی: ۱۴۰۰، ص. ۱۹) در همین ارتباط، آلبرا[4] (۲۰۱۶) ارزیابی حاکمیت شرکتی و تبیین سطوح مقرراتی آن را در تحقیقی از بُعد مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

[1] Razek
[2] Oh, Chang & Martynov
[3] Black, Jang & Kim
[4] Albera

در سازمان و از منظر مسئولیت‌های اجتماعی و تنظیم مقررات داخلی یا مقررات جامع مورد توجه قرار داده و الزامات مقرراتی برای اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب براساس مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی کرده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که چهارچوب جدید مسئولیت‌های اجتماعی و مقررات محیطی به مدیریت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران و بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی در سازمان منجر می‌شود.

نکته قابل توجه آن است که عمده این تحقیقات بدون لحاظ کردن مسأله مسئولیت‌های اجتماعی و از بُعد ذی‌نفعان به‌ارزیابی حاکمیت شرکتی در سازمان پرداخته‌اند. به‌عبارتی، مؤلفه‌ها و معیارهای ارزیابی عمدتاً حول محور تئوری نمایندگی و رابطه سازمان با سهام‌داران و ارزیابی استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی از منظر این عوامل مورد توجه قرار گرفته است. اما با ورود مقررات اسلامی و مسأله تئوری ذی‌نفعان، ابعاد مطلوبیت استقرار حاکمیت شرکتی گسترده شد که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود. در همین ارتباط، سلیمان و جوریه[1] (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین تئوری نمایندگی، تئوری ذی‌نفعان و نظارت شریعت در بانکداری اسلامی»، به طرح مسائل و تفاوت‌های بین تئوری نمایندگی و تئوری ذی‌نفعان پرداختند. نتایج پژوهشی نشان می‌دهد که بین این دو تئوری در استقرار و تعریف مطلوبیت اجرای حاکمیت شرکتی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. یکی از معیارهای بررسی این تفاوت، نگاهی است که تئوری ذی‌نفعان به بُعد مسئولیت‌های اجتماعی و اجرای آن برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب دارد.

ساخت و طراحی مدل

مسأله باید به‌روشنی یک سیستم منطقی مثل یک شبکه تبدیل شود. این ساختار شبکه را می‌توان از طریق طوفان مغزی، روش دلفی یا هر روش موجهی به‌دست آورد.

در مقاله حاضر، ساختار مبتنی بر مطالعه ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و بر مبنای اصول حاکمیت شرکتی شکل گرفته است. در این مرحله، مسأله مورد نظر به یک ساختار شبکه‌ای تبدیل می‌شود که در آن گروه‌ها به‌عنوان خوشه‌ها مطرح هستند. عناصر یک خوشه ممکن است با یک یا تمامی عناصر خوشه‌های دیگر ارتباط داشته باشد –تحت تأثیر یا اثرگذار باشد. همچنین، در این مقاله با مطالعه ادبیات مسأله، معیارها و زیرمعیارهای تشکیل مدل به‌دست آمده است. ادبیات بررسی شده در این پژوهش به‌منظور استخراج مدل پژوهش شامل اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و

[1] Sulaiman & Joriah

همکاری‌های اقتصادی (شامل ۶ اصل)، دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری منتشر شده توسط بانک مرکزی ایران (شامل ۱۴ فصل) و رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال ترجمه و منتشر شده توسط بانک مرکزی ایران (شامل ۱۳ اصل) است. بررسی محققان نشان داد دستورالعمل بانک مرکزی مستخرج از رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال است که منطبق با شرایط ایران، تعدیلاتی در آن اعمال شده است. بنابراین، برای تبیین مدل نهایی از دو گزارش شامل اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ایران، استفاده شد.

اصول و فصول مندرج در این دو گزارش با هدف استخراج مدل مرتبط با موضوع پژوهش، بررسی و در نهایت، ۴ معیار اصلی شامل انصاف (اصل اول و فصل ۹ و ۱۵)، شفافیت (اصل پنجم و فصل ۱۶)، پاسخگویی (اصل دوم و فصل ۶، ۷ و ۱۴) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (اصل چهارم) برای سنجش حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق سهامداران و ذی‌نفعان تبیین شد. برای تبیین معیارها و زیرمعیارها، محتوای اصول و فصول تحلیل شد و خروجی این تحلیل در هر یک از جداول معیارهای اصلی ارایه شده است. نمودار شماره (۱)، این رابطه را نشان می‌دهد. بر این اساس، فرضیه اصلیِ مورد بررسی در این مقاله به‌شرح زیر است:

فرضیه اصلی: تفاوتی بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق ذی‌نفعان نیست.

نمودار شماره ۱: رابطه حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان



منبع: یافته‌های تحقیق

انصاف

اصل سومِ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بیان می‌کند که سازمان باید در قالب اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان با تمام سهام‌داران رفتار یکسانی داشته باشد. به‌عبارتی، چهارچوب حاکمیت شرکتی باید سازمان را از رفتار مساوی با همه سهام‌داران که شامل سهام‌داران اقلیت و غیرنهادی است، مطمئن سازد و همه سهام‌داران باید فرصت‌های یکسانی را برای تأمین یا جبران حقوقشان در صورت نقض در آن داشته باشند. به‌بیان دیگر، این اصل بر توزیع یکسان فرصت بین ذی‌نفعان و اعضای زیان‌دیده و جبران آن از محل منابع سازمان می‌پردازد و مبتنی بر آن، باید عدالت و انصاف بین همه افراد درگیر یا ذی‌نفع سازمان برقرار باشد تا از اجرای مطلوب این اصل در سازمان اطمینان حاصل شود. بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتیِ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، بخش‌های زیر در قالب عامل انصاف شناسایی شده است. همچنین، مبتنی بر این اقلام، در این مقاله فرضیه فرعی اول به‌شرح زیر ارایه شده است.

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سازمان در سطح مطلوبی اجرا شده است.

عامل انصاف

- هیئت‌مدیره به‌صورت رسمی، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی را برای بررسی عملکرد پنجساله مدیران مبتنی بر هزینه‌های وارده بر سازمان مشخص کرده است.
- همه کارکنان به سابقه ارزیابی خود دسترسی دارند و امکان ارایه انتقادات و پیشنهادها به‌سهولت برای آن‌ها فراهم است.
- سازمان از سازوکار مناسبی برای ثبت و پاسخگویی به انتقادات و شکایات سهام‌داران، مشتریان، کارکنان و سایر ذی‌نفعان برخوردار است.
- سهام‌داران فرصت انجام دادن پرسش و پاسخ از هیئت‌مدیره را در مجامع دارند.
- مدیرانِ بخش‌ها در ارتباط با کیفیت عملکرد کارکنان به مدیرعامل یا اعضای هیئت‌مدیره گزارش می‌دهند.
- در طول پنج سال گذشته، پاداش مدیران با میزان رشدی فراتر از رشد پاداش کارکنان افزایش نیافته است.

شفافیت

افشای اطلاعات و شفافیت یکی از ارکان با اهمیت حاکمیت شرکتی مطلوب است و اصل ۵ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به آن پرداخته است. شفافیت، افشای کامل و صادقانه اطلاعات در بازار است که بر کارایی و اثربخش بودن بازار مؤثر است. شفافیت، استانداردهایی است که رویدادها، معاملات، قضاوت‌ها و برآوردهای ساختاری صورت‌های مالی را به نمایش می‌گذارد. همچنین، شفافیت، استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری است که صورت‌های مالی تهیه شده را در همان دوره وقوع گزارش می‌کند. (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران: ۱۳۹۷، ص. ۲۷) سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، شفافیت را افشای به‌هنگام و دقیق تمام موضوعات مهم نظیر وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی معرفی کرده است. به‌عبارتی، شفافیت در راستای اجرای حاکمیت شرکتی شامل اطلاعات مهم در رابطه با اهداف و دستاوردهای مالی و عملیاتی، مالکیت عمده سهام و حق رأی، سیاست تعیین حق‌الزحمه هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی اصلی، اطلاعات در رابطه با هیئت‌مدیره، فرایند انتخاب آن‌ها، عضویت آن‌ها در سایر شرکت‌ها، معامله با اشخاص وابسته، عوامل قابل‌پیش‌بینی ریسک و ... است.

بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، بخش‌های زیر در قالب عامل شفافیت شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام، در این مقاله فرضیه فرعی دوم به‌شرح زیر ارایه شده است.

فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سازمان در سطح مطلوبی اجرا شده است.

عامل شفافیت

- ارایه اطلاعات مختص به هر یک از مشتریان توسط مؤسسه اعتباری به سایرین ممنوع است، مگر مواردی که به موجب قانون مجاز شمرده شده است.
- گزارش‌های مالی مطابق با استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی به‌طور سالانه ارایه می‌شود.
- هیئت‌مدیره گزارش سه تا پنجساله عملکرد خود را افشا می‌کند.
- نتایج جلسات هیئت‌مدیره، کمیته‌های هیئت‌مدیره و مجامع (عادی و ویژه) به‌صورت کامل و در اسرع وقت به‌صورت عمومی (سایت سازمان) اعلام می‌شود.
- گزارش سالانه سازمان علاوه بر صورت‌های مالی معمول، شامل ریسک و سایر عواملی است که ممکن است بر تفسیر صورت‌های مالی اثر بگذارد.

- مؤسسه اعتباری موظف است کلیه اقدامات خود را به‌منظور شناسایی، سنجش، پایش و کنترل ریسک اعتباری در چهارچوب ضوابط بانک مرکزی و در مقاطع زمانی مقرر منتشر کند.
- اطلاعات مربوط به‌دارایی، معاملات و تعهدات زیرخط ترازنامه به‌صورت شفاف اعلام می‌شود.
- گزارش‌های مالی توسط شرکت حسابرسی مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- اطلاعات مربوط به تمام مبادلات مرتبط به فعالیت‌های سازمان و شرکت‌های وابسته با سهام‌داران، مدیران و وابستگان آن‌ها اعلام می‌شود.
- کلیه اطلاعات سهام‌داران بالای ۹ درصد و سهام‌داران نهادی به‌صورت سالانه در سایت سازمان قرار می‌گیرد.
- سازمان، کلیه اطلاعات مربوط به ساختار تشویقی (پاداش نقدی و غیرنقدی) اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ارشد را اعلام می‌کند.
- سازمان و شرکت‌های وابسته آن دارای وب‌سایت مناسب برای انتشار اخبار و اطلاعات آماری به‌روز است.

پاسخگویی

پاسخگویی، مسئول دانستن فرد یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله یا به‌عبارتی، دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده و وظایف انجام نشده است. پاسخگویی، تعریف شفاف وظایف محوله، مشخص بودن مسئولیت انجام دادن کارها، تفویض‌ناپذیر بودن مسئولیت پاسخگویی و مستند و مبتنی بودن پاسخ‌ها بر شواهد است.

بورن و لِیت[1] (۲۰۱۵) سه ویژگی از پاسخگویی شامل تعهد به پاسخگویی، تمایل به پاسخگویی دقیق و درست و قضاوت‌های قابل دفاع در پاسخگویی را معرفی کرده‌اند.

با بزرگ شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخگویی آن‌ها بیشتر و مدیران شرکت‌ها در معرض پاسخگویی به طیف وسیعی از مدعیان قرار می‌گیرند. به‌موجب رابطه پاسخگویی، پاسخگو ملزم به فراهم آوردن اطلاعات معینی از ایفای وظایف محوله به‌خود است. به‌عبارتی، پاسخگویی، رابطه دوطرفه بین پاسخگو و ذی‌نفعان یا پاسخ‌خواهان است که ابعاد مسئولیت‌پذیری پاسخگو را نشان می‌دهد. بر این اساس و مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتیِ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، بخش‌های زیر در قالب

[1] Born & Leigh

عامل پاسخگویی شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام، در این مقاله فرضیه فرعی سوم به‌شرح زیر ارایه شده است.

فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخگویی در سازمان در سطح مطلوبی اجرا شده است.

عامل پاسخگویی

- اعضای هیئت‌مدیره و تیم مدیریت اجرایی متفاوت است.
- جلسات هیئت‌مدیره دست‌کم یک‌بار در هر فصل از سال برگزار می‌شود.
- کمیته حسابرسی، حسابرس مستقل را پیشنهاد می‌کند و با آن در ارتباط است.
- کمیته حسابرسی وظیفه نظارت بر حسابرسان داخلی و روش‌های آن‌ها را برعهده دارد.

مسئولیت‌پذیری

حاکمیت شرکتی ضمن ارایه چهارچوب قانونی و مقرراتی برای تعیین روابط و مسئولیت‌های میان اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل، سهام‌داران و ذی‌نفعان دیگر، تضمین عملکرد رقابتی لازم برای صحت و سلامت فعالیت‌ها و اطمینان نسبت به رعایت حقوق ذی‌نفعان و ارایه معیارها و سازوکارهای نظارت و کنترل بر فعالیت‌های مدیران را فراهم می‌آورد. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب باعث کاهش مشکلات نمایندگی در سازمان شده و مسئولیت‌پذیری مدیران را با کاهش تضاد منافع افزایش می‌دهد. به‌عبارتی، حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف اعم از مدیران، کارکنان، سهام‌داران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان حقیقی و حقوقی است که از فعالیت‌های شرکت تأثیر و بر آن اثرگذار است. اصل ۶ اصول حاکمیت شرکتیِ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به مسأله مسئولیت‌پذیری هیئت‌مدیره پرداخته و بیان می‌کند که چهارچوب حاکمیت شرکتی باید راهنمای راهبردی شرکت، نظارت مؤثر مدیریت توسط هیئت‌مدیره و پاسخگویی هیئت‌مدیره به سازمان و سهام‌داران را دربر گیرد. بر این اساس، بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام، در این مقاله فرضیه فرعی چهارم به‌شرح زیر ارایه شده است.

فرضیه فرعی چهارم: عامل مسئولیت‌پذیری در سازمان در سطح مطلوبی اجرا شده است.

عامل مسئولیت‌پذیری

- هیئت‌مدیره در قبال فعالیت‌های مدیریت ارشد و هزینه‌های ایجاد شده از سوی آن‌ها مسئول است و نسبت به اصلاح و حذف هزینه طی شش‌ماه اقدام لازم را صورت می‌دهد.
- سازوکار لازم برای برخورد و تنبیه تیم مدیریتی در سازمان، حتی با وجود از دست دادن آن‌ها وجود دارد.
- مدیریت ارشد در برابر وظایف تفویض شده به کارکنان زیردست و ایجاد ساختار مناسب پاسخگویی مسئولیت دارد.
- هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد درخصوص توزیع منصفانه منافع میان کارکنان پاسخگو هستند.
- هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد، سازوکار لازم را برای تنبیه افراد خاطی در صورت ارتکاب اعمال غیراخلاقی یا وارد کردن خسارت بر سازمان طی دوره پنجساله دارند.

مسئولیت‌های اجتماعی

خان[1] (۲۰۱۶)، هانگ[2] (۲۰۱۶) و کاپور و سندهو[3] (۲۰۱۶)، مسئولیت‌های اجتماعی سازمان‌ها، ابعاد مختلف رفتارهای کارکنان، مشتریان، محیط‌زیست، بهداشت و سلامت، آموزش، توسعه روستایی و نهادهای موجود در جامعه را لحاظ می‌کنند. برای مسئولیت اجتماعی چهار بُعد مشتریان، کارکنان، محیط‌زیست و نهادهای موجود در جامعه لحاظ شده است. مسئولیت اجتماعی در ارتباط با مشتریان شامل فعالیت‌هایی است که یک شرکت انجام می‌دهد تا رضایت مشتریان را تأمین کند. مسئولیت اجتماعی سازمان در قبال کارکنان، قبول مسئولیت اجتماعی برای فعالیت‌های ایمنی، بهداشت و تأمین رفاه و روحیه کارکنان است. مسئولیت‌پذیری محیطی به‌عنوان یک جنبه مهم مسئولیت اجتماعی، شرط لازم برای بقا و موفقیت سازمان است. مسئولیت اجتماعی شامل احساس مسئولیت در رابطه با نهادهای موجود در جامعه است. امروزه، این موضوع پذیرفته شده که شرکت‌ها با جوامع و همچنین، نهادهایی که با آن‌ها در تعاملند، در ارتباط هستند و تداوم و بقای آن‌ها به‌سلامتی، پایداری و موفقیت این نهادها وابسته است. (استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰: ۱۳۹۷)

امروزه، مسئولیت اجتماعی شرکتی، بخش جدایی‌ناپذیری از کتب و مقالات مالی اقتصادی جهان تلقی می‌شود و تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند، در حال افزایش است. در حالی که، اصطلاح مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبتاً جدید به‌نظر

[1] Khan
[2] Huang
[3] Kapoor & Sandhu

می‌رسد، بررسی آثار و مقالات نشان می‌دهد که این مفهوم در طول چندین دهه، همگام با توسعه‌های اجتماعی، سیاسی و محیط کسب‌وکار تکامل یافته است. بر این اساس، بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتیِ مطلوب در سازمان شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام، در این مقاله فرضیه فرعی پنجم به‌شرح زیر ارایه شده است.

فرضیه فرعی پنجم: عامل مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان در سطح مطلوبی اجرا شده است.

عامل مسئولیت‌های اجتماعی

- سازمان، سیاست مشخص و شفافی در رابطه با کُدهای اخلاقی دارد و آن‌ها را صریح و روشن به اطلاع عموم می‌رساند.
- سازمان دارای سیاست یا فرهنگ مشخصی در مورد سن استخدام کارکنان است.
- سیاست‌های استخدامی سازمان برای تمام کارکنان یکسان اعمال می‌شود.
- سازمان، قوانین و مقررات زیست‌محیطی را به‌صراحت مورد توجه قرار داده و اعمال می‌کند.
- سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است.
- کارکنان می‌توانند شیوه کاری خود را در اعمال وظایف خود مورد استفاده قرار دهند.

پرسشنامه طراحی‌شده مبتنی بر ابعاد شناسایی شده، بین مدیران و کارشناسان بانکی برای دریافت نظرهای آن‌ها پخش شد. پس از جمع آوری، ۱۲۹ پرسشنامه از ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده، برای بررسی، آزمون مقایسه میانگین چندجامعه[1] و آزمون‌های پس از تجربه شامل آزمون (LSD) و در نرم‌افزار (SPSS) مورد استفاده قرار گرفت.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق براساس ماهیت آن، توصیفی–پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی است. با توجه به حجم بالای جامعه آماری، با نمونه‌گیری از جامعه آماری، نتایج مقاله بررسی و تحلیل شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و در انتخاب نمونه، سلیقه شخصی دخیل نبوده که امکان تعمیم نتایج را می‌دهد. پرسشنامه مقاله نیز براساس بررسی ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و ساخت مدل شرح داده شده در مقاله حاضر طراحی شده است. سؤال اصلی این پژوهش به این شرح است که مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتی برای سهام‌داران یا

[1] ANOVA

برای ذی‌نفعان، استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران در چه مرحله‌ای است؟ بدین‌منظور، بانک‌های ایران به سه دسته دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری تقسیم و ۱۵۰ پرسشنامه بین مدیران بانک‌های خصوصی (۳۸.۳ درصد از حجم نمونه)، دولتی (۳۹.۶ درصد از حجم نمونه) و مؤسسات مالی و اعتباری (۲۲.۱ درصد از حجم نمونه) توزیع شد که از این تعداد ۱۲۹ پرسشنامه پاسخ و برگشت داده شد و در تحلیل و بررسی نتایج مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون پایایی پرسشنامه از نرم‌افزار (SPSS) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن با آزمون ۳۰ پرسشنامه اول جمع‌آوری‌شده در نرم‌افزار ۸۲.۴ درصد بوده که حاکی از قابل‌قبول بودن پایایی پرسشنامه است.

تفسیر نتایج

آمار توصیفی نمونه مورد بررسی در بانک‌های خصوصی، دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری است. (جدول شماره ۱)

همان‌طور که آماره‌ها نشان می‌دهند، مردان، افراد با سابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال و تحصیلات کارشناسی ارشد و در سطح کارشناس، بیشترین افراد در نمونه‌های مورد بررسی بودند.

جدول شماره ۱: آمار توصیفی اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان (درصد)

شرح	
جنسیت	
مرد	۶۷,۱
زن	۳۲,۹
سابقه کار	
زیر ۵ سال	۱۵,۲
۵ تا ۱۰ سال	۵۴,۹
۱۰ سال و بالاتر	۲۹,۹
تحصیلات	
کارشناسی	۴۲,۷
کارشناسی ارشد	۴۴,۲
دکتری	۱۳,۱
سمت سازمانی	
مدیر	۲۲,۲
کارشناس ارشد	۷۷,۸

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل واریانس

برای تحلیل داده‌ها، سؤالات هر بخش با توجه به دسته‌بندی در سه سطح بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند گروه با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند. فرض صفر در آزمون مقایسه میانگین چند گروه عبارت است از:

H0= تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود ندارد.

H1= تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد.

بررسی اصل انصاف

برای بررسی سطح اجرای انصاف در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است. (جدول شماره ۲)

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده است.

جدول شماره ۲: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین گروهی	۱۰,۹	۲	۵,۴۵	۱۷,۰۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۰,۶	۱۲۷	۰,۳۲	–	–
	جمع	۵۱,۵	۱۲۹	–	–	–
عامل ۲	بین گروهی	۱۲,۱۲	۲	۶,۰۶	۳۹,۲۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۱۹,۶	۱۲۷	۰,۱۵	–	–
	جمع	۳۱,۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۳	بین گروهی	۲۲,۲۳	۲	۱۱,۱۱	۲۰,۳۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۶۹,۳۳	۱۲۷	۰,۵۴	–	–
	جمع	۹۱,۵۶	۱۲۹	–	–	–
عامل ۴	بین گروهی	۲۴,۴۹	۲	۱۲,۲۴	۲۹,۲۹	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۳,۱۱	۱۲۷	۰,۴۱	–	–
	جمع	۷۷,۶	۱۲۹	–	–	–
عامل ۵	بین گروهی	۱۱,۹۳	۲	۵,۹۶	۴۰,۷۳	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۱۸,۶	۱۲۷	۰,۱۴	–	–
	جمع	۳۰,۵۳	۱۲۹	–	–	–
عامل ۶	بین گروهی	۲۴,۴۹	۲	۱۲,۲۴	۲۹,۲۹	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۳,۱۱	۱۲۷	۰,۴۱	–	–
	جمع	۷۷,۶	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف، در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر اجرا شده، آزمونِ پس از تجربه را انجام داد.

نتایج آزمونِ پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح اجرای عامل انصاف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. در تحلیل نتایج، آزمون پس از تجربه مبتنی بر سطح معناداری و حد بالا و پایین تحلیل انجام می‌شود.[۱] بر این اساس، مبتنی بر سطح معناداری، فرض مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری رد می‌شود و تفاوت معناداری در اجرای عامل اول انصاف در این سه گروه وجود دارد. سپس، مبتنی بر تحلیل نتایج حد بالا و پایین مشاهده می‌شود که در عامل اول انصاف، بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و بانک‌های دولتی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری وضع بهتری در اجرای عامل اول انصاف داشته و هیئت‌مدیره به‌صورت رسمی مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای بررسی عملکرد پنجساله مدیران مبتنی بر هزینه‌های وارده بر سازمان را مشخص کرده است.

بررسی عامل دوم نشان می‌دهد که تفاوتی بین بانک‌های خصوصی و دولتی در دسترسی همه کارکنان به سابقه ارزیابی و امکان ارایه انتقادات و پیشنهادها وجود ندارد و بانک‌های دولتی و خصوصی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری این مورد را بهتر اجرا کرده‌اند.

نتایج بررسی عامل سوم در میان گروه بانک‌ها، مشابه عامل اول است. به‌عبارتی، بانک‌های خصوصی، دولتی و سپس مؤسسات مالی و اعتباری به‌ترتیب در راستای اجرای سازوکار مناسب برای ثبت و پاسخگویی به انتقادات و شکایات سهام‌داران، مشتریان، کارکنان و سایر ذی‌نفعان، نحوه عمل مطلوب‌تری داشتند. عامل چهارم در بانک‌های خصوصی بهتر از بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری عمل کرده و مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در اجرای عامل چهارم تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. عامل پنجم تفاوت معناداری بین مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی نیست، اما بانک‌های دولتی از دو گروه دیگر بهتر عامل پنجم اصل انصاف را اجرا کرده‌اند. عامل ششم نیز حاکی از آن است که

---

[۱] هرگاه حد پایین و بالا مثبت باشد، میانگین از مقدار آزمون بزرگ‌تر است. هرگاه حد پایین و بالا منفی باشد، میانگین از مقدار مورد آزمون کوچک‌تر است. و هرگاه حد پایین، منفی و حد بالا، مثبت باشد یا برعکس، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معناداری ندارد.

بین مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی وضع مطلوب‌تری در اجرای رشد پاداش پنج سال گذشته مدیران با نرخ رشدی همتراز با نرخ رشد پاداش کارکنان داشته است.

بررسی اصل شفافیت

برای بررسی سطح اجرای شفافیت در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است. (جدول شماره ۳)

فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده است.

جدول شماره ۳: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین گروهی	۱۲,۷۶۵	۲	۶,۳۸	۱۵,۰۰	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۴,۰۱	۱۲۷	۰,۴۲۵	–	–
	جمع	۶۶,۷۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۲	بین گروهی	۴۷,۲۷	۲	۲۳,۶۳	۴۷,۲۷	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۶۳,۵۰	۱۲۷	۰,۵۰۰	–	–
	جمع	۱۱۰,۷۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۳	بین گروهی	۲۵,۷۵	۲	۱۲,۸۷۶	۱۰,۴۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۱۵۶,۴۴	۱۲۷	۱,۲۳۲	–	–
	جمع	۱۸۲,۱۹	۱۲۹	–	–	–
عامل ۴	بین گروهی	۴,۴۲	۲	۲,۲۱۱	۲,۹۵۱	۰,۰۵۶
	درون گروهی	۹۵,۱۸	۱۲۷	۰,۷۴۹	–	–
	جمع	۹۹,۶۰	۱۲۹	–	–	–
عامل ۵	بین گروهی	۱۲,۱۲	۲	۶,۰۶۱	۳۹,۲۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۱۹,۶۰	۱۲۷	۰,۱۵۴	–	–
	جمع	۳۱,۷۳	۱۲۹	–	–	–
عامل ۶	بین گروهی	۱۰,۱۱	۲	۵,۰۵۸	۳۲,۷۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۱۹,۶۰	۱۲۷	۰,۱۵۴	–	–
	جمع	۲۹,۷۲	۱۲۹	–	–	–
عامل ۷	بین گروهی	۱۰,۵۳	۲	۵,۲۶۷	۷,۰۲۸	۰,۰۰۱
	درون گروهی	۹۵,۱۸	۱۲۷	۰,۷۵۰	–	–
	جمع	۱۰۵,۷۲	۱۲۹	–	–	–

(ادامه) جدول شماره ۳: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۸	بین گروهی	۳,۰۵	۲	۱,۵۲۵	۵,۸۷۳	۰,۰۰۴
	درون گروهی	۳۲,۹۸	۱۲۷	۰,۲۶۰	–	–
	جمع	۳۶,۰۳	۱۲۹	–	–	–
عامل ۹	بین گروهی	۱۹,۴۴	۲	۹,۷۲	۱۷,۱۱	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۷۲,۱۳	۱۲۷	۰,۵۶۸	–	–
	جمع	۹۱,۵۶	۱۲۹	–	–	–
عامل ۱۰	بین گروهی	۲۵,۰۷	۲	۱۲,۵۳	۲۸,۲۷	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۶,۳۱	۱۲۷	۰,۴۴	–	–
	جمع	۸۱,۳۹	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل شفافیت، فرض صفر برای هر ۱۰ عامل معرف شفافیت، در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک، حاکمیت شرکتی در سطح عامل شفافیت مطلوب‌تر اجرا شده، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح اجرای عامل شفافیت حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که عامل اول، سوم، هشتم، نهم و دهم بین مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در اجرای اصل شفافیت تحت عامل‌هایی که معرف شفافیت در بانک هستند، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری از دو گروه دیگر این عامل‌ها را اجرا کرده‌اند. از سوی دیگر، نتایج بررسی عامل دوم، ششم و هفتم نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی، دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری به‌ترتیب به‌نحوه مطلوب‌تری این عامل‌ها را اجرا کرده‌اند و نتایج بررسی عامل چهارم نشان می‌دهد که بین بانک‌های خصوصی و دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد و این دو در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری سطح مطلوب‌تری از اصل شفافیت حاکمیت شرکتی را اجرا کرده‌اند. همچنین، تحلیل نتایج عامل پنجم نشان می‌دهد که هر سه گروه بانک‌ها در اجرا و ارایه اطلاعات مربوط به‌دارایی، معاملات و تعهدات زیرخط ترازنامه، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

بررسی اصل پاسخگویی

برای بررسی سطح اجرای پاسخگویی در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است. (جدول شماره ۴)

فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخگویی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده است.

جدول شماره ٤: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین گروهی	۴,۱۰۳	۲	۲,۰۵۲	۳,۶۰۹	۰,۰۳۰
	درون گروهی	۷۲,۲۰۴	۱۲۷	۰,۵۶۹	–	–
	جمع	۷۶,۳۰۸	۱۲۹	–	–	–
عامل ۲	بین گروهی	۰,۶۰۶	۲	۰,۳۰۳	۱,۴۶۴	۰,۲۳۵
	درون گروهی	۲۶,۲۸۶	۱۲۷	۰,۲۰۷	–	–
	جمع	۲۶,۸۹۲	۱۲۹	–	–	–
عامل ۳	بین گروهی	۱۳,۵۴	۲	۶,۷۷۱	۵,۷۸۲	۰,۰۰۴
	درون گروهی	۱۴۸,۷۳	۱۲۷	۱,۱۷۱	–	–
	جمع	۱۶۲,۲۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۴	بین گروهی	۴,۱۰	۲	۲,۰۵۲	۳,۶۰۹	۰,۰۳۰
	درون گروهی	۷۲,۲۰	۱۲۷	۰,۵۶۹	–	–
	جمع	۷۶,۳۰	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل پاسخگویی، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف پاسخگویی، در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت بوده و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک، حاکمیت شرکتی در سطح عامل پاسخگویی مطلوب‌تر اجرا شده، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح اجرای عامل پاسخگویی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در هر ۴ عامل، بانک‌های خصوصی وضعیت

مطلوب‌تری در اجرای عامل پاسخگویی داشته و اصل پاسخگویی حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی بهتر اجرا شده و مؤسسات مالی و اعتباری در رده سوم قرار دارند.

بررسی اصل مسئولیت‌پذیری

برای بررسی سطح اجرای مسئولیت‌پذیری در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است. (جدول شماره ۵)

فرضیه فرعی چهارم: عامل مسئولیت‌پذیری در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده است.

جدول شماره ۵: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین گروهی	۵۷,۴۱	۲	۲۸,۷۰	۱۱۰,۹۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۲,۸۶	۱۲۷	۰,۲۵۹	–	–
	جمع	۹۰,۲۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۲	بین گروهی	۳۴,۷۶	۲	۱۷,۳۷	۶۳,۳۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۴,۸۲	۱۲۷	۰,۲۷۴	–	–
	جمع	۶۹,۵۶	۱۲۹	–	–	–
عامل ۳	بین گروهی	۱۲,۶۱	۲	۶,۳۰۸	۱۴,۳۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۵,۷۶	۱۲۷	۰,۴۳۹	–	–
	جمع	۶۸,۳۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۴	بین گروهی	۳۴,۷۴	۲	۱۷,۳۷۳	۶۳,۳۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۴,۸۲	۱۲۷	۰,۲۷۴	–	–
	جمع	۶۹,۵۶	۱۲۹	–	–	–
عامل ۵	بین گروهی	۲۱,۰۹	۲	۱۰,۵۴۷	۲۷,۷۳	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۸,۲۹	۱۲۷	۰,۳۸۰	–	–
	جمع	۶۹,۳۹	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل مسئولیت‌پذیری، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف مسئولیت‌پذیری، در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک، حاکمیت شرکتی در سطح عامل

مسئولیت‌پذیری مطلوب‌تر اجرا شده، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح اجرای عامل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در عامل اول و پنجم، بانک‌های خصوصی، دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری، در عامل ۲ و ۴، بانک‌های خصوصی در رتبه نخست هستند و تفاوتی بین بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وجود ندارد و در عامل ۲ بانک‌های خصوصی، مؤسسات مالی و اعتباری و سپس بانک‌های دولتی، به‌ترتیب سطح مطلوب‌تری در اجرای اصل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی داشته‌اند.

بررسی اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی

برای بررسی سطح اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است. (جدول شماره ۶)

فرضیه فرعی پنجم: عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده است.

جدول شماره ٦: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین گروهی	۱۷,۲۰	۲	۸,۶۰	۲۲,۹۱	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۷,۶۸	۱۲۷	۰,۳۷	–	–
	جمع	۶۴,۸۹	۱۲۹	–	–	–
عامل ۲	بین گروهی	۲۵,۴۴	۲	۱۲,۷۲	۲۲,۷۲	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۷۱,۰۸	۱۲۷	۰,۵۶	–	–
	جمع	۹۶,۵۳	۱۲۹	–	–	–
عامل ۳	بین گروهی	۵۷,۴۱	۲	۲۸,۷۰	۱۱۰,۹۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۲,۸۶	۱۲۷	۰,۲۵	–	–
	جمع	۹۰,۲۷	۱۲۹	–	–	–
عامل ۴	بین گروهی	۷,۴۱	۲	۳,۷۰	۸,۶۹	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۴,۱۹	۱۲۷	۰,۴۲	–	–
	جمع	۶۱,۶۰	۱۲۹	–	–	–
عامل ۵	بین گروهی	۱۷,۲۰	۲	۸,۶۰	۲۲,۹۱	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۷,۶۸	۱۲۷	۰,۳۷	–	–
	جمع	۶۴,۸۹	۱۲۹	–	–	–
عامل ۶	بین گروهی	۱۷,۹۰	۲	۸,۹۵	۱۵,۲۸	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۷۴,۴۰	۱۲۷	۰,۵۸	–	–
	جمع	۹۲,۳۰	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک، حاکمیت شرکتی در سطح عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی مطلوب‌تر اجرا شده، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح اجرای عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که در هر ۶ عامل، بانک‌های خصوصی در اجرای مسئولیت‌های اجتماعی بانک و برقراری حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان مطلوب‌تر عمل کرده و بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری یا تفاوت معناداری نداشته یا در برخی عوامل بانک‌های دولتی و در برخی دیگر مؤسسات مالی و اعتباری نتایج مطلوب‌تری داشته‌اند. همچنین، در اجرای عامل پنجمِ «سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است»، همه بانک‌ها در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد.

بررسی استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران یا ذی‌نفعان

در این بخش، برای بررسی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در گروه بانک‌ها (در سطح سهام‌داران یا در سطح ذی‌نفعان) به بررسی این مسأله پرداخته شده است و برای بررسی آن در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح شده که در این بخش، آزمون مقایسه میانگین جوامع اجرا شده است.

فرضیه اصلی: حاکمیت شرکتی در سطح سهام‌داران با حاکمیت شرکتی در سطح ذی‌نفعان در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی اجرا شده و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. (جدول شماره ۷)

جدول شماره ۷: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران	بین گروهی	۱۰٫۶۵	۲	۵٫۳۲	۳۴٫۷۶	۰٫۰۰۰
	درون گروهی	۱۹٫۴۶	۱۲۷	۰٫۱۵	–	–
	جمع	۳۰٫۱۱	۱۲۹	–	–	–
حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان	بین گروهی	۱۲٫۹۳	۲	۶٫۴۶	۲۸٫۸۳	۰٫۰۰۰
	درون گروهی	۲۸٫۴۹	۱۲۷	۰٫۲۲	–	–
	جمع	۴۱٫۴۳	۱۲۹	–	–	–

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مقایسه میانگین حاکی از آن است که در استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران یا ذی‌نفعان، سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به‌عبارتی، میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین این‌که این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک، حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر اجرا شده، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح اجرای حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران یا ذی‌نفعان در بین سه گروه بانک مورد بررسی وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی سطح مطلوب‌تری از حاکمیت شرکتی را (چه در سطح ذی‌نفعان، چه در سطح سهام‌داران) اجرا کرده که البته نتایج بررسیِ اجرای اصول حاکمیت شرکتی نیز این مسأله را تأیید می‌کند. اما اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین این دو گروه در اجرای حاکمیت شرکتی دیده نمی‌شود. (جدول شماره ۸)

جدول شماره ۸: آزمون حداقل تفاوت معنادار به‌عنوان یک آزمون پس از تجربه

متغیر وابسته	گروه i	گروه j	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
						حد پایین	حد بالا
حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران	مؤسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰,۱۹۴	۰,۰۹۲	۰,۰۳۷	-۰,۳۷۶	-۰,۰۱۱
		بانک‌های خصوصی	-۰,۶۹۲	۰,۰۹۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۷۴	-۰,۵۱۰
	بانک‌های دولتی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۱۹۴	۰,۰۹۲	۰,۰۳۷	۰,۰۱۱	۰,۳۷۶
		بانک‌های خصوصی	-۰,۴۹۸	۰,۰۷۷	۰,۰۰۰	-۰,۶۵۱	-۰,۳۴۵
	بانک‌های خصوصی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۶۹۲	۰,۰۹۲	۰,۰۰۰	۰,۵۱۰	۰,۸۷۴
		بانک‌های دولتی	۰,۴۹۸	۰,۰۷۷	۰,۰۰۰	۰,۳۴۵	۰,۶۵۱
حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان	مؤسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰,۱۹۶	۰,۱۱۱	۰,۰۸۰	-۰,۴۱۶	۰,۰۲۴
		بانک‌های خصوصی	-۰,۷۵۵	۰,۱۱۱	۰,۰۰۰	-۰,۹۷۵	-۰,۵۳۴
	بانک‌های دولتی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۱۹۶	۰,۱۱۱	۰,۰۸۰	-۰,۰۲۴	۰,۴۱۶
		بانک‌های خصوصی	-۰,۵۵۸	۰,۰۹۳	۰,۰۰۰	-۰,۷۴۴	-۰,۳۷۳
	بانک‌های خصوصی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۷۵۵	۰,۱۱۱	۰,۰۰۰	۰,۵۳۴	۰,۹۷۵
		بانک‌های دولتی	۰,۵۵۸	۰,۰۹۳	۰,۰۰۰	۰,۳۷۳	۰,۷۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی به‌عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهام‌داران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود. به‌عبارتی، هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است و با حفظ تعادل در بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی، به استفاده کارآمد از منابع و پاسخگویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهم‌ترین هدف حاکمیت شرکتی، همسویی منافع بین مدیران و سهام‌داران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس، چهار اصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، معرف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران و محافظت از منافع سهام‌داران است. اما اخیراً و براساس متون اسلامی، هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین آزادی مدیریت و پاسخگویی و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح شده و با توجه به آن‌که بانک‌های ایران مبتنی بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران یا ذی‌نفعان در این مقاله مورد توجه قرار گرفت و با استفاده از ۱۲۹ پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه‌های بررسی شده در مقاله حاضر با مطالعه ادبیات مسأله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی طراحی شد و معیارها و زیرمعیارهای تشکیل مدل به‌دست آمد. بدین‌منظور، در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران چهار اصل شامل انصاف (۶ پرسش)، شفافیت (۱۰ پرسش)، پاسخگویی (۴ پرسش) و مسئولیت‌پذیری (۵ پرسش) مطرح شد و در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان با اضافه کردن اصل مسئولیت‌های اجتماعی (۶ پرسش) و در قالب فرضیه اصلیِ عدم‌تفاوت معنادار بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهام‌داران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق ذی‌نفعان و پنج فرضیه فرعی، به بررسی و تحلیل نتایج به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها پرداخته شد.

نتایج حاکی از آن است که در هر پنج اصل، بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در اجرای حاکمیت شرکتی داشته و با توجه به آن‌که بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری، اصل مسئولیت‌های اجتماعی حاکمیت شرکتی را اجرا کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب و در سطح ذی‌نفعان قرار دارد و از سطح سهام‌داران فراتر است. اما حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی و اعتباری و در بانک‌های دولتی در سطح سهام‌داران استقرار یافته و ضرورت دارد با بازنگری نحوه عمل خود در ارتباط با اجرای اصول حاکمیت شرکتی، سطح استقرار حاکمیت شرکتی را ارتقاء و آن را به سطح ذی‌نفعان برسانند.

شایان ذکر است که مباحث استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها در ایران، مسأله نوپایی است و در این ارتباط نیز سال انتشار دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی (۱۴۰۲) این مسأله را تأیید می‌کند. تا قبل از انتشار این دستورالعمل تنها رهنمود اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران، رهنمود کمیته نظارت بانکی بال بوده که بانک‌ها ملزم به رعایت آن نبوده‌اند. آنچه از استقرار و اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران در این مقاله بررسی شد، نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباریِ تازه تأسیس (اکثر این مؤسسات از ابتدای ۱۳۹۸ و پس از آن تشکیل شده‌اند) و بانک‌های دولتی، در این رویداد موفق‌تر عمل کرده‌اند. در بانک‌های خصوصی، تجربه و خبرگی مدیران در برقراری این اصول در سازمان تحت مدیریت خود، قابل‌توجه است. از سوی دیگر، تمام بانک‌های خصوصی در ایران در بازار سرمایه حضور دارند و به‌موجب مقررات بازار سرمایه ایران، به رعایت حداقل‌های حاکمیت شرکتی ملزم هستند –هر چند مسأله استقرار حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران هم نوپاست. در نهایت آن‌که تجربه بانکداری در ایران نشان می‌دهد که بانک‌های دولتی با وجود آن‌که جزء دسته بانک‌های قدیمی ایران هستند، اما به‌دلیل ساختار دولتی که بر آن‌ها حاکم است (فقدان شفافیت) و گاهی به‌دلیل یک‌سری فعالیت‌های دستوری از سوی دولت (ناقض مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی) خود را نسبت به اجرا و استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب طی سال‌های گذشته چندان ملزم ندانسته‌اند. بنابراین، تحت چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی مؤسسات اعتباری بانک مرکزی بتواند نقطه آغاز این فرایند باشد. نکته حائز اهمیت درخصوص این دستورالعمل، فصل ۸ آن است که تحت ۴ ماده، التزام به احکام و شریعت اسلامی را از بانک‌ها در انجام دادن عملیات و فعالیت‌های بانکی خواسته است. بررسی محققان نشان می‌دهد که این فصل به‌خوبی بیان‌کننده رعایت مقررات اسلامی و اجرای حاکمیت شرکتی از منظر اسلامی نیست و شاید بهتر باشد با مطالعه ادبیات پژوهشی در حوزه حاکمیت شرکتی از منظر رعایت حقوق ذی‌نفعان (که منطبق با مقررات اسلامی است و در این پژوهش و در تحقیقات اخیر در کشورهای اسلامی به آن پرداخته شده است)، تغییر و اصلاحاتی در این فصل صورت گیرد.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

۱- بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی با کیفیت سود بانک‌ها؛
۲- بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی با ساختار سرمایه بانک‌ها؛
۳- بررسی تأثیر ساختار کنترل داخلی با سودآوری بانک‌ها؛

۴- بررسی تأثیر حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی بر سودآوری بانک‌ها؛
۵- بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی بانک‌ها؛
۶- بررسی تأثیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای بر سودآوردی بانک‌ها.

منابع و مأخذ

۱- بهارمقدم، مهدی؛ صادقی، زین‌العابدین؛ صفرزاده، ساره. (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، ***فصلنامه حسابداری مالی.*** دوره ۵ (۲۰).
۲- بدری، احمد. (۱۳۹۷)، «مبانی و ضرورت راهبری شرکتی»، ***همایش راهبری شرکتی.*** شرکت بورس اوراق بهادار تهران (سهامی عام)، مدیریت آموزش.
۳- حساس یگانه، یحیی؛ برزگر، قدرت‌الله. (۱۴۰۰)، «مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری»، ***فصلنامه حسابداری مدیریت.*** دوره ۷ (۲۲).
۴- سلیمانی، غلامرضا؛ مقدسی، مینا. (۱۴۰۰)، «نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی»، ***فصلنامه پژوهش حسابداری.*** دوره ۳ (۱۲).
۵- قلیچ، وهاب. (۱۴۰۱)، «جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی»، ***فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی.*** دوره ۴ (۱۴).
۶- کاشف بهرامی، فرهنگ. (۱۴۰۰)، «راهبری شرکتی، نقش هیئت‌مدیره و ارتباط آن با عدم‌تقارن اطلاعاتی و حسابرسی داخلی»، ***فصلنامه حسابدار رسمی.*** دوره ۱۸ (۶۴).
۷- مجتهدزاده، ویدا؛ اثنی عشری، حمیده. (۱۳۹۹)، «رابطه خصوصی‌سازی، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی در بنگاه‌های سابقاً دولتی»، ***فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری.*** دوره ۲ (۵).
۸- ***مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش راهبری شرکتی.*** (۱۳۹۷)، شرکت بورس اوراق بهادار تهران (سهامی عام)، مدیریت آموزش.
۹- نمازی، محمد؛ ابراهیمی، شهلا. (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت‌مدیره بر کارایی فنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، ***فصلنامه دانش حسابداری.*** دوره ۴ (۱۲).

1- Arshad, R.; Razak, S.N.A.A. (2017) Corporate Social Responsibility Disclosure and Interaction Effects of Ownership Structure on Firm Performance. In 2017 IEEE Symposium on Business, ***Engineering and Industrial Applications (ISBEIA)***, 111-116.

2- Black, B.S.; Jang, H.; Kim, W. (2015), Does Corporate Governance Predict Firms' Market Values? Evidence from Korea. ***The Journal of Law, Economics, and Organization***, 22(2), 366-413.

3- Bhaduri, S.N.; Selarka, E. (2022), Corporate Governance and Corporate Docial Responsibility of Indian Companies. ***Singapore: Springer***.

4- Born, H.; Leigh, I.D. (2015), Making Intelligence Accountable: Legal Standards and Best Practice for Oversight of Intelligence Agencies, ***Publishing House of the Parliament of Norway***.

5- Caratas, M. A.; Spatariu, E.C. (2020), Contemporary Approaches in Internal Audit. ***Procedia Economics and Finance***, 15, 530-537.

5- Dawkins, J.; Lewis, S. (2003), CSR in stakeholde Expectations: And their Implication for Company Strategy. ***Journal of Business Ethics***, 44(2), 185-193.

6- Donaldson, L.J. (1998), Clinical Governance: a Satutory Duty for Quality Improvement. ***Journal of Epidemiology and Community Health***, 52(2), 73.

7- Drobetz, W.; Schillhofer, A.; Zimmermann, H. (2004), Corporate Governance and Expected Stock Returns: Evidence from Germany. ***European Financial Management***, 10(2), 267-293.

8- Gompers, P.; Ishii, J.; Metrick, A. (2003), Corporate Governance and Equity Prices. ***The Quarterly Journal of Economics***, 118(1), 107-156.

9- Huang, C.J. (2016), Corporate Governance, Corporate Social Responsibility and Corporate Performance. ***Journal of Management & Organization***, 16(5), 641-655.

10- Iqbal, Z.; Mirakhor, A. (2004), Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. ***Islamic Economic Studies***, 11(2).

11- Iqbal, M.; Molyneux, P. (2022), Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects. Springer. ***Islamic & Mainstream Approaches***. London: Asean Academic Press.

12- Kapoor, S.; Sandhu, H.S. (2016), Does it Pay to be Socially Responsible? An Empirical Exam-ination of Impact of Corporate Social Responsibility on Financial Performance. ***Global Business Review***, 11(2), 185-208.

13- Khan, H.U.Z. (2016), The Effect of Corporate Governance Elements on Corporate Social Responsibility (CSR) Reporting: Empirical Evidence from Private Commercial Banks of Bangladesh. ***International Journal of Law and Management***, 52(2), 82-109.

14- Khanaghah, J.B.; Sadeghi, H.A.; Ghadakforoushan, M. (2019), Investigating the Interactive Effect of Corporate Governance and Corporate Social Responsibility on the Firm Value in the Tehran Stock Exchange. ***Iranian Journal of Management Studies***, 12(3).

15- Lewellyn, D.T. (2001), A Regulatory Regime and the New Basel Capital Accord. ***Journal of Financial Regulation and Compliance***.

16- Maignan, I.; Ferrell, O.C. (2004), Corporate Social Responsibility and Marketing: An Integrative Framework. ***Journal of the Academy of Marketing Science***, 32(1), 3-19.

17- Mohammed, S.A.N.; Muhammed, J. (2023), The Relationship between Agency Theory, Stakeholder Theory and Shariah Supervisory Board in Islamic Banking: An Attempt Towards Discussion. ***Humanomics***.

18- OECD, O. (2004), The OECD Principles of Corporate Governance. ***Contaduríay Administración***.

19- Oh, W.Y.; Chang, Y.K.; Martynov, A. (2017), The Effect of Ownership Structure on Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from Korea. ***Journal of business ethics***, 104(2), 283-297.

20- Razek, M.A. (2020), The Association Between Corporate Social Responsibility Disclosure and Corporate Governance: a Survey of Egypt. ***Research Journal of Finance and Accounting***, 5(1), 93-98.

21- Shleifer, A.; Vishny, R.W. (1996), A Survey of Corporate Governance National Bureau of Economic Research. NBER Working Paper, 5554.

22- Tirole, J. (1999), Incomplete Contracts: Where do we Stand?. Econometrica, Evidence from Germany. ***European Financial Management***, 10(2), 267-293.